

درآمدی بر هزینه مبادله اقتصاد (با تاکید بر اصول قرارداد در اسلام)

تقی ابراهیمی سالاری

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

ebrahimi@um.ac.ir

نفیسه صالح نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد

Nafiseh.salehnia@yahoo.com

چکیده

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نظریه نئوکلاسیکی بنگاه به خاطر فروض غیر واقعی‌اش مورد انتقاد قرار گرفت و فرض صفر بودن هزینه مبادله، زیر سؤال رفت. براساس برداشت نورث از قضیه کوز در زمینه هزینه مبادله، اگر چه در جهان فرضی نئوکلاسیک‌ها که هزینه‌های مبادله مساوی صفر است سازوکار بازار فارغ از ترتیبات نهادی، که قواعد بازی را تعریف می‌کنند، می‌تواند کارایی را برقرار نماید، اما در جهان واقعی که هزینه‌های مبادله مثبت است نهادها (قواعد و مقررات حقوقی) بر تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب قضیه کوز ارتباط هزینه‌های مبادله و قواعد حقوقی را روشن می‌سازد. هزینه‌های مبادله، هزینه‌هایی است که طرفین قرارداد برای کسب اطلاعات، یا به خاطر عدم اجرای مفاد قرارداد از سوی طرف مقابل، یا به منظور نظارت و کنترل و اعمال قانونی قراردادها متحمل می‌شوند. به این دلیل که قراردادها ناقص‌اند یعنی حقوق و وظایف متقابل طرفین در بسیاری از حالات محتمل مورد توافق قرار نگرفته و بالطبع بطور صریح در قرارداد ذکر نشده است و ذکر نشدن این دسته از حقوق و وظایف به معنای وجود شکاف در قرارداد است، یکی از مهمترین کارکردهایی که یک نظام حقوقی از طریق قانون قراردادها به انجام می‌رساند پر کردن این شکاف‌ها از طریق تعریف قواعد مفروض است. بنا به تعریف، قواعد مفروض شامل قواعدی است که حقوق و وظایف متقابل طرفین قرارداد را در وضعیت‌های احتمالی که معمولاً در قراردادها ذکر نمی‌شود تعیین می‌نماید.

بنابراین با در نظر گرفتن شرایطی برای قرارداد می‌توان تا حدی نقص موجود در قرارداد را برطرف نمود. پس از مطالعه شرایط و احکام مربوط به قرارداد در اسلام، و بررسی اصول اخلاقی و دینی حاکم بر قراردادهای اسلامی می‌توان گفت که در اسلام آموزه‌هایی وجود دارد که تا حد زیادی می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش کارایی و رضایت طرفین معامله شود.

واژگان کلیدی: هزینه مبادله، اصول قرارداد در اسلام، آموزه های اخلاقی اسلام

مقدمه

نظریه‌های رشد اقتصادی قرن بیستم بر سیستم‌های مکانیکی اقتصاد نظری متمرکز بودند و در تحلیل‌ها، نهادها اغلب عامل فرعی پنداشته می‌شدند. اما انباشت سرمایه فیزیکی، تجمع سرمایه انسانی و تغییرات تکنولوژیک تنها بخشی از رشد اقتصادی را در طول زمان توضیح می‌دهند. عوامل پیچیده بیشتری، توضیح‌دهنده رشد اقتصادی در دو و نیم قرن گذشته هستند. عدم موفقیت مدل‌های متداول اقتصادی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از اقتصاددانان مانند نورث، کوز و ویلیامسون را ترغیب کرد تا با نگاهی غیرسنتی به تبیین عملکرد اقتصادی بپردازند. اینان توجه خود را به جای عوامل مادی تولید بر «نهادها» به عنوان «قواعد بازی اقتصادی» متمرکز کردند (کاردن، ۲۰۱۱) و اقتصاد نهادی به تدریج به یکی از مکاتب مهم اقتصادی تبدیل شد. همزمان با افول اقتصاد نهادی قدیم، در فاصله میان دو جنگ جهانی، به تدریج اقتصاد نهادی جدید شکل گرفت. یکی از مهمترین موضوعاتی که در اقتصاد نهادی جدید مورد توجه قرار گرفت، هزینه مبادله بود، اما باید توجه داشت که همان طور که اقتصاد نهادی جدید، کلتی یکپارچه نیست و نگرها و رویکردهای متفاوتی را دارا است، در بحث هزینه مبادله نیز یک رویکرد وجود ندارد. (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹)

امروزه اقتصاددانان به پیروی از کوز مفهوم هزینه‌های مبادله را متناسب با مراحل گوناگون هر قرارداد تعریف می‌نمایند و هزینه‌های مبادله را شامل هزینه‌های مرتبط با مراحل مختلف قرارداد شامل هزینه‌های جستجو، هزینه‌های چانه زنی و هزینه‌های اعمال قرارداد می‌دانند. به عبارت دیگر از این دیدگاه هزینه مبادله را می‌توان به سه بخش تفکیک کرد: ۱. هزینه‌های مکان یابی و جذب طرف‌های تجاری بالقوه؛ ۲. هزینه‌های انعقاد قرارداد و اجرای آن؛ ۳. هزینه‌های نظارت و اعمال قرارداد (کوتر و اولن، ۲۰۰۰: ۸۸، کلاس ۲۰۰۹: ۳۶۴)

در اقتصاد هزینه مبادله به لحاظ روش شناختی فرض می‌شود که کارگزاران عقلایی عمل می‌کنند. البته عقلانیت آن‌ها محدود است و به تمام اطلاعات لازم برای انعقاد قرارداد و تعهد مبادلات دسترسی ندارند. و نیز اگر چنین امکانی باشد قدرت پردازش آن را ندارند و ناگزیر قراردادهای ناقص منعقد می‌کنند. در نتیجه به طور بالقوه این امکان وجود دارد که نقص‌های موجود در قرارداد مورد سوء استفاده افراد فرصت طلب قرار گیرد و قرارداد نقض شود و به این ترتیب هزینه‌هایی به مبادله

کنندگان تحمیل شود (هزینه مبادله). در این رویکرد فرض می‌شود که افراد عاقل از امکان نقض قراردادهای (هزینه بر بودن مبادله) مطلع هستند. از این رو سعی می‌کنند پیش از انعقاد قرارداد راه‌کارهایی برای رسیدن به اهداف خود بیندیشند که پس از انعقاد قرارداد متحمل کمترین هزینه شوند. (نصیری اقدم، ۱۳۸۵)

ناقص بودن یک قرارداد به معنای آن است که حقوق و وظایف متقابل طرفین در بسیاری از حالات محتمل مورد توافق قرار نگرفته و بالطبع بطور صریح در قرارداد ذکر نشده است. ذکر نشدن این دسته از حقوق و وظایف به معنای وجود شکاف در قرارداد است. یکی از مهمترین کارکردهایی که یک نظام حقوقی از طریق قانون قراردادهای به انجام می‌رساند بر کردن این شکاف‌ها از طریق تعریف قواعد مفروض است. بنا به تعریف، قواعد مفروض شامل قواعدی است که حقوق و وظایف متقابل طرفین قرارداد را در وضعیت‌های احتمالی که معمولاً در قراردادهای ذکر نمی‌شود تعیین می‌نماید (کراسول، ۲۰۰۰:۱).
کوتر و اولن کاستی‌های موجود در قراردادهای را به دو دسته کلی تقسیم کرده‌اند. به زعم آنان اولین دسته از کاستی‌ها که ممکن است در قراردادهای بروز کند به «رفتار غیر معقول» باز می‌گردد. چنین رفتارهایی معمولاً از افرادی صادر می‌شود که به دلایل گوناگون مانند صغر سن و یا جنون توانایی بروز دادن رفتار معقول را ندارند. دومین دسته از کاستی‌هایی که ممکن است در یک قرارداد ظهور کند به بالا بودن هزینه‌های مبادله ارتباط دارد. دسته مهمی از این کاستی‌ها به فقدان یا عدم تقارن اطلاعات بین طرفین قرارداد باز می‌گردد. (کوتر و اولن، ۲۰۰۰)

بررسی متون اسلامی نشان می‌دهد که در اسلام آموزه‌های اساسی در زمینه معاملات و انعقاد قرارداد وجود دارد که برخی از آن‌ها در غالب حقوق و مقررات قرارداد و برخی دیگر در غالب آموزه‌های اخلاقی بیان شده و می‌تواند تا حد زیادی در کاهش هزینه مبادله مؤثر واقع شود. به عنوان مثال بلوغ، عقل، اختیار و... از شرایطی است که هر کدام از طرفین قرارداد برای صحت عقد باید دارا باشند. علاوه بر این در میان احکام فقهی و حقوقی می‌توان موارد متعددی مانند: ممنوعیت تدلیس و غش و به طور کلی هرگونه نیرنگ و فریب و حيله که موجب زیان طرف مقابل شود، پرهیز از ممانعت عمدی از افشای اطلاعاتی که عقلاً برای آن در مبادله نقش فائند و پرهیز از ارائه اطلاعات نادرست (رجایی، ۱۳۸۹) و... در زمینه کاهش هزینه مبادلات و رفع کاستی‌های اطلاعاتی وجود دارد. به علاوه بر اساس تعالیم حقوقی اسلام هرگاه قرارداد به گونه‌ای باشد که موجب بازتوزیع غیرمنصفانه ثروت به نفع یکی از طرفین قرارداد شود طرف مقابل مجاز است با استفاده از حق خیار، قرارداد مذکور را بطور یکجانبه فسخ نماید (شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۱۲۰) به طور کلی بخش مهمی از آنچه در فقه اسلامی با نام خیارات شناخته می‌شود، ارتباط نزدیکی با کاستی‌های اطلاعاتی موجود در قراردادهای دارد. (شریف زاده و نادران، ۱۳۹۰)
در کنار این مسائل، اصول حاکم بر فضای بازار و معاملات اسلامی منجر به ظهور فضایل اخلاقی نظیر پرهیز از دروغ‌گویی، دوری از ظلم و اجحاف، غلبه نکردن سودطلبی شخصی، ایجاد صداقت، احسان و ادای امانت، رعایت مساوات و انصاف و ... در بازار می‌شود که در این مقاله به بیان این اصول و نقش آن در کاهش هزینه مبادله در مبادلات اسلامی می‌پردازیم.

پیشینه و مبانی نظری

اقتصاد هزینه‌ی مبادله ۱ پیشینه‌ی طولانی دارد، چرا که قرن‌هاست و اثره‌ی هزینه‌ی مبادله در ادبیات اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از اثرات عمیقی که توسعه‌های اخیر TCE را به وجود آورده است، «نظریه‌ی اصطکاک» می‌باشد. این نظریه بازار را به یک ماشین تشبیه می‌کند که اصطکاک باعث انحراف کارکرد آن از وضعیت ایده‌آل می‌شود. سالیان متمادی مفهوم هزینه‌ی مبادله فقط به صورت هزینه‌ی حمل و نقل تصور می‌شد. تا اینکه در قرن نوزدهم، منگر ۲ مفهوم اصطکاک را در کتابش

¹ Transaction Cost Economics=TCE

² Menger

بیان داشت. وی با این کار قصد داشت تا تفاوت‌های موجود در الگوها را توضیح دهد. بنابراین TCE پیشینه‌ی زیادی دارد ولی به عنوان یک علم، تاریخچه‌ی کمی دارد. اولین بار در عنوان مقاله‌ی ویلیامسون در دهه‌ی ۱۹۷۹ واژه‌ی اقتصاد "هزینه‌ی مبادله" آورده شده است:

relations Transaction cost economic: the governance of contractual

هنگامی که عبارت "هزینه‌های مبادله" در ادبیات اقتصادی ظاهر شد، نظریه‌ی "اقتصاد هزینه‌های مبادله" وارد اقتصاد گردید.

مفهوم هزینه مبادله

شکل‌گیری اقتصاد نهادی جدید، با تألیف مقاله کوز با عنوان ماهیت بنگاه در سال 1937 آغاز شد (کوز، ۱۹۹۸: ۷۲). کوز در مقاله ماهیت بنگاه، با نگاهی انتقادی به اقتصاد نئوکلاسیک، به منظور اصلاح آن تلاش می‌کند. وی می‌نویسد: «هدف این مقاله، پر کردن خلاء ای است که ظاهراً در نظریه اقتصادی میان دو فرض وجود دارد، یکی این فرض که ابزارهای مکانیسم قیمت، وظیفه تخصیص منابع را بر عهده دارند، و فرض دیگر اینکه کارآفرین هماهنگ‌کننده، تخصیص منابع را انجام می‌دهد.» (کوز، ۱۹۷۳: ۳۸۹)

نگاهی دقیق‌تر به مقاله کوز نشان می‌دهد که وی در آن مقاله، هیچ‌گاه از اصطلاح "هزینه مبادله" استفاده نکرد، اما موضوعی که وی در آن مقاله بیان کرد، مبنایی برای شکل‌گیری بحث گسترده هزینه مبادله شد. به اعتقاد کوز، از آنجایی که مقاله مذکور موجب توجه به بحث هزینه مبادله در اقتصاد شد، سرآغاز اقتصاد نهادی جدید معرفی می‌شود (کوز، ۱۹۹۸: ۷۲).

اما تلاش دوم برای اصلاح نظریه نئوکلاسیک، از مسیر متفاوتی آغاز شد: هایک در تحلیل رفتار اقتصادی انسان و تبیین پدیده‌های گوناگون به ذهن توجه کرد. و با انتشار کتاب "نظم حسی: بررسی بنیادهای روانشناسی نظری" در سال ۱۹۵۲، توجه خود را به ذهن معطوف کرد. هایک در این کتاب به بررسی عملکرد ذهن براساس مدل پیوندگرا می‌پردازد. (آرنا و فیستر، ۲۰۰۶: ۴۴) سایمون نیز بحث عقلانیت محدود را بیان کرد که جایزه نوبل را برای وی به ارمغان آورد. سایمون در سال پایانی عمرش، در شرحی از عقلانیت محدود می‌نویسد: «عقلانیت محدود به طور خلاصه بیانگر این ایده است که انتخاب افراد فقط به وسیله برخی از اهداف کلی سازگار و خصوصیات دنیای خارجی تعیین نمی‌شود، بلکه دانشی که آن‌ها از دنیا دارند و ندارند، توانایی یا عدم توانایی آن‌ها در کسب این دانش در هنگام مناسب، مدیریت نتایج کنش‌های شان، توجه به مسیرهای ممکن کنش، مدیریت عدم اطمینان (شامل عدم اطمینانی که از پاسخ‌های ممکن دیگران حاصل می‌شود) و داوری میان بسیاری از خواسته‌های رقابتی‌شان نیز مهم است. عقلانیت، محدود است، زیرا توانایی‌های آن‌ها به شدت محدود می‌باشد، در نتیجه رفتار عقلایی در دنیای واقعی به میزان زیادی به وسیله "محیط درونی" ذهن افراد که شامل محتویات حافظه و فرایندهایش است و "محیط خارجی" دنیایی که در آن کنش می‌کنند و کسانی تعیین می‌گردد که بر آن‌ها کنش انجام می‌شود» (سایمون، ۲۰۰۰: ۲۵)

مباحث کوز، هایک و سایمون نه تنها عاملی مهم در شکل‌گیری اقتصاد نهادی جدید است، بلکه موجب پیدایش حداقل دو جریان متفاوت در اقتصاد نهادی جدید شد که نظریه پردازان این دو جریان، تحلیل‌های متفاوتی درباره پدیده‌های واحد بیان می‌کنند. در بحث هزینه مبادله می‌توان این تفاوت تحلیل را به خوبی مشاهده کرد. در این بحث، ویلیامسون، مباحث کوز را پیگیری کرده و نورث، مباحث هایک و سایمون را مبنای کار خویش قرار داده است، در نتیجه نگاه آن‌ها به بحث هزینه مبادله نیز متفاوت است. (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹) در این بخش به بیان دیدگاه ویلیامسون و کوز درباره هزینه مبادله می‌پردازیم.

هزینه مبادله از دید ویلیامسون

ویلیامسون برای توجیه نظری هزینه‌بر بودن مبادلات فروض رفتاری را مطرح می‌کند. به نظر وی دلیل اصلی ناتوانی نظریه رایج از تشخیص هزینه مبادله، پایبندی به عقلانیت کامل یا ابزاری است، زیرا اگر فرض نظریه وجود عقلانیت کامل باشد، هیچ قرارداد ناقصی منعقد نمی‌شود؛ در حالی که ویژگی اصلی قراردادهای واقعی، ناقص بودن آنهاست. وی با تأسی از سایمون، فرض عقلانیت محدود را به عنوان یکی از پایه‌های نظری اقتصاد هزینه مبادله می‌پذیرد. منظور از عقلانیت محدود، آن است که عوامل اقتصادی عقلایی رفتار می‌کنند، ولی در این راستا محدودیت‌هایی دارند. یکی از این محدودیت‌ها، عدم امکان دسترسی به اطلاعات و دانش موجود است و محدودیت دیگر، عدم توانایی ذهن انسان در پردازش کامل اطلاعات است. همین محدودیت‌ها سبب می‌شود که انسان عاقل نتواند قراردادهای لازم برای انجام دادن مبادلات را به طور کامل و بدون نقض منعقد کند. به این ترتیب، اولین اصل اقتصاد هزینه مبادله این است که قراردادهای همواره ناقص‌اند. با پذیرش این اصل، این سؤال پیش می‌آید که آیا در صورت ناقص بودن قراردادهای، این امکان وجود ندارد که در صورت وقوع تغییرات، کسی از طرفین قرارداد از نقص آن به نفع خود و هزینه‌ی دیگری سوء استفاده کند؟ پاسخ ویلیامسون به این سؤال، مثبت است و همین پاسخ مثبت است که او را به پذیرش فرض دوم رفتاری اقتصاد هزینه مبادله، رهنمون می‌شود: فرصت طلبی. یعنی گاهی اوقات افراد در صورت امکان منافع خود را با چاشنی حيله و تقلب دنبال می‌کنند. اگر این فرض فرصت‌طلبی با اصل ناقص بودن قراردادهای ترکیب شود، آن‌گاه احتمال نقض قرارداد و خطرهای قراردادی افزایش می‌یابد. اگر قراردادی نقض شود، به این معناست که طرفین قرارداد برای انجام مبادله باید هزینه‌هایی نیز بپردازند: مبادلات هزینه‌برند و هرچه قراردادهای بیشتر نقض شوند هزینه‌های مبادله نیز بیشتر می‌شوند. به این ترتیب، هزینه بر بودن مبادلات را در قالبی نظری توجیه و فرموله می‌کند. وقتی می‌پذیریم هر قراردادی ناقص و در ترکیب با فرصت طلبی هزینه بر است، در حقیقت این نکته را پذیرفته ایم که هر یک از شیوه‌های بدیل انجام دادن یک کار واحد (که هر یک از آن‌ها متناظر با یک قرارداد است)، هزینه بر است. لذا ویلیامسون پس از پذیرش نظری هزینه بر بودن مبادلات، این هدف را دنبال می‌کند که مبادلات به نحوی از طریق شیوه‌های مختلف سازماندهی، سازمان یابند که هزینه‌های مبادله را اقتصادی یا حداقل کنند. به این ترتیب، ویلیامسون به اصل دوم خود می‌رسد و می‌گوید: کاهش خطرهای ناشی از فرصت طلبی که ناظر بر گذشته است، از طریق انتخاب شیوه‌ی سازماندهی ناظر بر آینده، محور فعالیت اقتصاد هزینه مبادله است (ویلیامسون، ۱۹۹۸، ص ۳۱). به عبارت دیگر، در هر لحظه از زمان، به دلیل احتمال فرصت طلبی افراد، هزینه‌هایی به سازمان، تحمیل می‌شود که این هزینه‌ها ناشی از نقص‌هایی است که در گذشته (هنگام انعقاد قرارداد) در طراحی سازمان، وجود داشته است. بنابراین، در طراحی هر سازمان سعی می‌شود ساز و کاری برای سازماندهی امور انتخاب شود که در آینده (پس از انعقاد قرارداد) برای سازمان، کم‌ترین هزینه را ایجاد کند. این ایده، محور کاری اقتصاد هزینه مبادله است. (نصیری اقدم، ۱۳۸۶)

هزینه مبادله از دید نورث

نورث در اکثر مقالات خود، بحثش را با انتقاد از فروض نئوکلاسیک آغاز می‌کند. وی درباره هزینه مبادله نیز با انتقاد از نادیده گرفته شدن آن در اقتصاد نئوکلاسیک یادآور می‌شود این هزینه در کشورهای پیشرفته غربی، بالغ بر 50 درصد تولید ناخالص ملی است. (نورث، ۱۹۹۱: ۲۰۳)

نورث در یکی از اولین آثارش، هزینه مبادله را این طور تعریف می‌کند: «هزینه مبادله، هزینه تصریح و اجرای قراردادهایی است که مبنای معامله هستند» (نورث، ۱۹۸۴: ۲۵۶). به اعتقاد وی، چهار متغیر عمده، تعیین کننده هزینه مبادله هستند که عبارت‌اند از: ۱) هزینه اندازه‌گیری که اندازه‌گیری ویژگی‌های ارزشمند کالاها، خدمات مورد مبادله یا اندازه‌گیری عملکرد کارگزاران را شامل می‌شود، ۲) ماهیت فرآیند معامله که تعیین دقیق مفاد قرارداد و تضمین اجرای آن را شامل می‌شود، ۳)

اجرا و چگونگی تضمین اجرا که در واقع، منظور وجود قوانین و دادگاه هاست و ۴) نگرش های ایدئولوژیک. به اعتقاد نورث، متغیر چهارم با بقیه متغیرها متفاوت است. بر خلاف فروض نئوکلاسیک، ترجیحات و سلیق ثابت نیستند، از این رو، این متغیر نیز ثابت نمی باشد و به ارزش های اخلاقی مربوط است. (همان، ۲۵۸)

نورث درباره هزینه چهارم، به طور مفصل تر بحث می کند و در این باره می نویسد: «قدرت ایدئولوژی را می توان با مبلغ اضافه ای سنجید که افراد تمایل دارند به جای بهره گیری از سواری مجانی بپردازند. این هزینه اضافی، هزینه اعتقاد است که نه تنها با باورهای فرد درباره عادلانه بودن قواعد و ترتیبات قراردادی متناسب است، بلکه تحت تأثیر تحصیلات، تبلیغات و سمبول ها می باشد.» (همان منبع) نورث سال ها بعد این عوامل را به دو دسته هزینه اندازه گیری و اجرا تقسیم کرد. (نورث، ۱۹۸۴:۳۶۱ و ۱۹۹۰:۲۷) نورث از این متغیرها برای توزیع انواع سازمان اقتصادی و ساختار جامعه استفاده می کند. (نورث، ۱۹۸۴:۲۵۸) این توضیح کامل نورث درباره دلایل پیدایش هزینه مبادله، در انتقاد وی به کوز و پروانش ریشه دارد. به اعتقاد وی، «کوز و اکثر کسانی که پس از وی هزینه های معاملاتی را مورد بررسی قرار داده اند، تلاش نکرده اند با دقت مشخص کنند که چه چیزی معامله کردن را پرهزینه می کند.» (نورث، ۱۹۹۰:۲۸).

نورث معتقد است هزینه مبادله صفر، هیچ گاه تحقق نمی یابد، زیرا شرط تحققش این است که بازیکنان نه تنها باید هدف های معینی داشته باشند، بلکه باید از شیوه صحیح دستیابی به آن نیز مطلع باشند، امری که در دنیای واقعی رخ نمی دهد، زیرا بر خلاف فرض عقلانیت ابزاری، افراد بر مبنای اطلاعات ناقص و مدل های ذهنی نادرست عمل می کنند و بازخورد اطلاعات نیز برای اصلاح این مدل های ذهنی ناقص کافی نیست. (نورث، ۱۹۹۴:۳۶۱) نورث با تکیه بر سخنان سایمون مبنی بر وجود عقلانیت ناقص و عدم ثبات ارزش ها، بر نقش نهادها در مبادله و فرایندهای اقتصادی تأکید می کند. (نورث، ۲۰۰۰:۱۹) وی در این باره می نویسد: «نهادها، ساختاری برای مبادله در اختیار ما می گذارند (که همراه با دانش فنی به کار گرفته شده) هزینه معامله و هزینه تبدیل را تعیین می کنند. انگیزش بازیگران (تابع مطلوبیت آنها)، پیچیدگی محیط و توانایی بازیگران در رمزگشایی و سامان بخشیدن به محیط (اندازه گیری و اجرا) تعیین کننده میزان موفقیت نهادها در هماهنگ سازی و تولید است. نهادهایی که وجودشان برای مبادله اقتصادی ضروری است، از حیت درجه پیچیدگی متفاوت هستند.» (نورث، ۱۹۹۰:۳۴) از سوی دیگر، نورث بحث درباره نهادها را نیز با توجه به هزینه مبادله پیگیری می کند. وی در این باره می نویسد: «نظریه من درباره نهادها، تلفیقی از نظریه ای درباره رفتار انسان و هزینه های معاملاتی است، اگر این دو را با یکدیگر تلفیق کنیم، درک اینکه چرا نهادها وجود دارند و چه نقشی در عملکرد جوامع ایفا می کنند، امکان پذیر میشود» (همان، ۲۷). ظاهراً توجه نورث به تحولات تاریخی و به تبع آن، هزینه مبادله، تأثیر مهمی بر تحلیل های وی داشت.

انواع هزینه مبادله

از نظر سایمون دو ویژگی که یکی به «توانایی درک» انسان ها و دیگری «به نفع طلب بودن» آن ها مربوط می شود از اهمیت اساسی برخوردار است. در مورد اول وی مفهوم عقلانیت محدود را مطرح می کند. مفهوم عقلانیت محدود این است که انسان به صورت عقلایی رفتار می کند؛ ولی به دلیل گستردگی اطلاعات و نقص آن ها نمی تواند به طور کامل عقلایی رفتار کند. به عبارت دیگر، ذهن انسان توانایی پردازش انبوه اطلاعات را ندارد و از این رو در پی گیری رفتار عقلایی محدودیت دارد. در مورد دوم وی «ضعف انگیزه ها» و شکنندگی آن ها را مطرح می کند.

اقتصاد هزینه ی مبادله فرض عقلانیت محدود را می پذیرد. اهمیت اساسی آن برای سازمان اقتصادی از این جهت است که همه ی قراردادهای پیچیده و به طور اجتناب ناپذیری ناقص هستند. اقتصاد هزینه ی مبادله به نفع طلبی هم توجه دارد؛ ولی نه با عنوان ضعف انگیزه ها، بلکه تحت عنوان فرصت طلبی. فرصت طلبی پیچیدگی های بیشتری را بر قراردادهای تحمیل می کند.

نه تنها به واسطه ی وجود عقلانیت محدود قراردادها به طور معمول ناقصند و در آن ها خطا، شکاف و حذف بعضی موارد وجود دارد؛ بلکه به دلیل فرصت طلبی یک تعهد خشک و خالی که به واسطه ی تعهداتی معتبر تضمین نشده باشد به اجرا در نمی آید. (نصیری اقدم، ۱۳۸۵)

همانطور که گفتیم هزینه مبادله آن دسته از هزینه هایی است که افراد در فرایند مبادله اقتصادی متحمل می شوند تا حقوق مالکیت خود را مشخص، تعریف و تضمین کنند به عبارت دیگر اگر فرض انتقال حقوق مالکیت را اساس بدانیم در امر مبادله هزینه هایی چون هزینه های کسب اطلاعات درباره فروشنده، خریدار و کیفیت کالا و خدمات، هزینه های عقد قرارداد، هزینه هایی به منظور نظارت، کنترل و اعمال قانونی قراردادها و از همه مهم تر هزینه های مربوط به تعریف حقوق مالکیت و تضمین اعمال این حقوق بر مبادله سایه می اندازد و بستر شکل گیری هزینه مبادله را ایجاد می نماید. بنابراین هزینه های مبادله دربرگیرنده موارد زیر است:

- هزینه های کسب اطلاعات درباره فروشنده، خریدار و کیفیت کالا و خدمات
- هزینه های عقد قرارداد
- هزینه هایی به منظور نظارت، کنترل و اعمال قانونی قراردادها
- هزینه های مربوط به تعریف حقوق مالکیت و تضمین اعمال این حقوق بر مبادله

آموزه های اخلاقی اسلام

در بازار اسلامی اصول و قواعدی حاکم است که نتیجه وجود آن، به وجود آمدن و شکوفایی رفتارهایی است که این رفتارها منجر به کاهش کاستی های اطلاعاتی و هزینه های مبادله در قراردادهای اسلامی می شود. در این بخش برخی از مهمترین اصول و قواعد حاکم بر فضای مبادله در اسلام و رفتارهای نشأت گرفته از این اصول بررسی می گردد.

جدول ۱. اصول حاکم در بازار اسلامی

اصول و قواعد حاکم	رفتارهای نشأت گرفته از این اصول
حاکمیت یاد خدا و نگرشهایی چون خلیفه الهی و نگاه مزرعه آخرت بودن دنیا	غلبه نکردن سودطلبی شخصی
کرامت انسانی	دوری از ظلم و اجحاف در حق خریدار و فروشنده و پرهیز از حقه و کلک و کلاهبرداری، نهی از مداخله در معامله دیگران، حذف واسطه های غیرضروری
حاکمیت عدالت	گرفتن سود عادلانه، نفی اصالت سود
ارزش کار و مطلوب بودن تجارت	پرهیز از تنبلی و سستی، مستجاب نشدن دعای شخص بیکار، کار عبادت است، کار جهاد است
لزوم پابندی به تعهدات	لزوم وفا به عهد و پیمان
احسان و خیرخواهی و انصاف	سود نگرفتن از کسی که فروشنده به او وعده احسان داده، انصاف با دیگران
عدم مخالفت با ارزشهای اخلاقی	تدلیس، ربا، غش، ارائه اطلاعات نادرست، ممانعت عمدی از افشای اطلاعاتی که عقلا برای آن در مبادله نقش قائلند.

همانطور که در جدول نشان داده شده است. حاکمیت اصول فوق در اسلام، موجب بروز رفتارهایی نظیر پرهیز از نیرنگ و فریب و سوء استفاده از اطلاعات، پرهیز از ممانعت عمدی از افشای اطلاعاتی که عقلاً برای آن در مبادله نقش قائلند، لزوم وفا به عهد و پیمان و ... می گردد که تمام این رفتارها نقش بسزایی در کاهش هزینه مبادله از طریق شفافیت اطلاعات و ایجاد صداقت و تضمین مناسب قراردادها به دلیل وجود تعهدات قوی و ... می شود. در این بخش بعضی از مهم ترین قواعد و اصول حاکم بر قرارداد را به اختصار توضیح می دهیم.

۱. علم به ویژگی های مورد معامله و قرارداد:

دو طرف معامله باید از ویژگی های مورد معامله و قرارداد به طور کامل آگاه باشند و مقدار، جنس، اوصاف و قیمت آن را بدانند (موسوی خمینی: ۴۷۳ و ۴۷۴). در غیر این صورت، معامله باطل یا متزلزل می شود. این قاعده اطلاع رسانی دقیق و صحیح، دو طرف معامله به یکدیگر را ضروری می سازد.

۲. وجوب وفا به عهد و عقد و شرط های ضمن عقد:

خداوند متعال در آیه های متعددی به وفای به عهد و عقد امر کرده است: «یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود (مائده، ۵)، ۱» ای کسانی که ایمان آوردید! به پیمان ها (و قراردادها) وفا کنید.

و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤولا (اسراء (۱۷)، ۳۴). و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد پرسش می شود.

خداوند وفای به عهد را جزو کارهای نیک و در ردیف بپا داشتن نماز و پرداختن زکات ذکر می کند (بقره (۲)، ۱۷۷) و حضرت امیر یکی از صفت های مؤمن را در خطبه ای که برای همام می خوانند ثبات و استحکام در وفای به عهد می شمارند ((کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۲۲۶، ح ۱). و می فرماید یکی از علامت های مومنان وفای به عهد است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۱، ۳۱۶، ح ۱۱).

همچنین اگر هریک از دو طرف عقد، ضمن قرارداد، شرطی علیه خود در نظر بگیرند، باید به آن پایبند مانند این قاعده از روایت ذیل استفاده می شود:

«المسلمون عند شروطهم الا کل شرط خالف کتاب الله عز و جل فلا یجوز» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۱، ۳۱۶، ح ۱۱).

«مسلمانان باید به شرط های خود وفا کنند، مگر شرطی که مخالف کتاب خداوند - عز و جل - باشد. در این صورت (شرط قرار دادن آن) جایز نیست».

روایت ها در این باره بسیار است^۳. وجوب عمل به عهد و پیمان و مفاد قراردادها و تعهدهای ضمنی آن، باعث پدید آمدن جو اعتماد و اطمینان در بازار می شود. (میرمعزی، ۱۳۸۷)

۳. صداقت در معامله ها و قراردادها

یکی از صفت هایی که در قرآن کریم تأکید فراوانی بر آن شده، صداقت است منظور از صداقت، معنای وسیع آن، یعنی صدق در نیت، رفتار و ساختار است. امانت داری، وفای به عهد، انصاف و هر آنچه در گفتار یا عمل به اطمینان و اعتماد طرفین مبادله منتهی شود، درون آن قرار دارد. صداقت در ارتباط فرد با خود، خدا، افراد دیگر جامعه و با محیط تجلی پیدا می کند و در فرد یا بازار به عنوان یک ملکه رسوخ یافته، پایدار می شود و در نتیجه، میان ظاهر و باطن، گفتار با نوشتار و بیان کالبد و رفتار و همه اینها با یکدیگر تعادل برقرار می کند. در این بازار، طرفین نوعی احساس آرامش از رفتار یکدیگر دارند و پنهان سازی اطلاعات به صورت عمدی در خصوص مبادله یا کالا در بازار وجود ندارد و اگر خطایی صورت پذیرد، امکان جبران خطا در سازوکار بازار وجود دارد. (داودی و همکاران، ۱۳۹۱)

۳. ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲، ۹۱

آیه های فراوانی در این باره وارد شده است که برای نمونه به برخی از آن ها اشاره می شود:
در قرآن کریم صداقت از صفات متقین شمرده شده است (آل عمران(۳)، ۱۷؛ زمر(۳۹)، ۳۳) و خداوند متعال در آیه های فراوانی به صادقین وعده بهشت داده است (احزاب(۳۳)، ۲۴ و ۳۵) و مومنان را امر فرموده است که با صادقین (معصومین) همراه باشند (توبه (۹)، ۱۱۹).

در روایت هایی نیز صداقت از صفت های پیامبران (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۰۴، ح ۱) و صدق حدیث و ادای امانت نشانه ی ایمان شمرده شده است (همان: ۱۰۵، ح ۱۲). امیرالمومنان علی می فرماید: کم ترین مردم کسی است که در همه ی مواضع راست می گوید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸، ۹، ح ۱۲).

و کسی که ملازم صدق شود نجات می یابد (همان: ۶۸، ۹، ح ۱۵). در برابر صداقت، دروغ گویی، نیرنگ و خیانت است. دروغ گویی، نیرنگ و خیانت به مسلمین حرام است. آیه ها و روایت های فراوانی بر این مطلب دلالت دارند که به علت روشن بودن مطلب از ذکرشان خودداری می کنیم (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۳۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۲، ۲۳۲ و همان: ۷۲، ۱۷۱).

در معامله ها و قراردادهای، صداقت و دوری از دروغ و نیرنگ و خیانت اهمیت فراوانی دارد. از این رو حضرت امیرالمومنان به تاجران و بازاریان سفارش می کرد که از دروغ گفتن دوری جویند (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۳۸۳، ح ۲۲۷۹۹۸) و امام صادق به یکی از اصحابشان که قصد سفر برای تجارت داشت فرمودند:

«بر تو باد صدق گفتار. عیب کالای خود را کتمان نکن» و کسی را که به تو اعتماد کرده است فریب نده و و خیانت نکن زیرا که تاجر راستگو و صادق در روز قیامت با سفیران والا مقام و نیکوکار محشور می شود» (همان: ۱۷، ۳۸۵، ح ۲۲۸۰۴).

دروغ، نیرنگ و خیانت افزون بر حرمت، سبب پیدایش حق فسخ قرارداد برای طرف مقابل نیز می شود؛ به طور مثال، اگر کسی مالش را به قیمتی بیش از ارزش بازاری آن بفروشد یا صفت های غیرواقعی برای کالایش ذکر کند یا کالاهای معیوب را بدهد و عیب را کتمان کند، طرف دیگر حق دارد معامله را فسخ کند. (میرمعزی، ۱۳۸۷)

۴. رضایت و آزادی اختیار در قراردادها

این شرط زیربنای همه قراردادهاست. قرآن کریم، در آیه ذیل، بر این ضابطه تصریح کرده است: «یا ایها الذین امنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم» (نساء (۴)، ۲۹).

«ای کسانی که ایمان آورده اید؛ اموال یکدیگر را به باطل [و راه های نامشروع] نخورید؛ مگر اینکه تجارتنی با رضایت شما انجام گیرد».

همچنین امام صادق در روایتی، که سندش معتبر است، می فرماید:

«از امت من نه چیز برداشته شد: خطا و نسیان و آنچه به آن مضطر می گردند و ...» (ابن بابویه قمی (صدوق)، ۱۴۱۰: ۲، ۴۱۷).

منظور از اکراه آن است که فردی دیگری را تهدید کند که اگر معامله مورد نظر وی را انجام ندهد، به جان، مال یا آبروی وی یا همسر و فرزندانش آسیب می رساند (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۱، ۶۷). بر این اساس اگر معامله یا قراردادی با اکراه یک طرف و بدون رضایت وی واقع شود، باطل است.

نتیجه گیری

اقتصاد نهادی جدید^۴ صراحتاً تمرکز و توجه خود را بر نهادهای اجتماعی قرار داده است.^۵ داگلاس نورث مهم ترین عامل تعیین کننده عملکرد اقتصادی را نهادها می داند.^۶ در تعریف نورث (۲۰۰۵)، نهاد «قوانین رسمی، هنجارهای غیررسمی و ویژگی های اجرایی آنها» است. نهادها تعیین کننده ساختار حق مالکیت و در نتیجه هزینه مبادله هستند.

نورث و توماس یک نهاد را به عنوان «توافقی بین واحدهای اقتصادی» تعریف می کنند. (نورث و توماس، ۱۹۷۳) توافق بین واحدهای اقتصادی یا نهاد، سبب شکل گیری ساختاری می شود که به آسانی تخطی از آن امکان پذیر نیست. برای مثال، اصناف مختلف در بازار مقرراتی وضع می کنند که هرچند الزام قانونی ندارد، ولی می تواند ضمانت اجرایی بالایی داشته باشد، به گونه ای که تخطی از آن با واکنش دیگران روبه رو شده و در مواردی به حذف متخلف از بازار منتهی شود. نورث در نوشته دیگری تصریح می کند که نهادها شامل مجموعه ای از قید و بندهای رفتاری به شکل قوانین و مقررات، و همچنین مجموعه ای از هنجارهای رفتاری اخلاقی هستند؛ هنجارهایی که تعیین کننده ساختارهایی هستند که چگونگی مشخص کردن قوانین و مقررات و به اجرا درآوردن آنها را محدود می کنند.^۷ علاوه بر این، برای تغییر دادن انگیزه های ذاتی مبادلات بازار، همچون نفع شخصی، به کار برده می شوند.^۸ در مطالعات اخیر توسعه اقتصادی توجه ویژه ای به باورهای مذهبی و دین به عنوان نهادهای موثر در مسیر دستیابی به توسعه اقتصادی شده است. نورث بر نهادها تمرکز می کند، چرا که نهادها ساختارهایی انگیزشی هستند که رفتار مردم را سامان می دهند و در نهایت تعیین کننده موفقیت و شکست اقتصادی اند.^۹ همین ساختارهای انگیزشی هستند که تعیین می کنند اقتصاد دچار رکود خواهد شد. نهادهایی که مردم را به رقابت در تولید و مبادله تشویق می کنند، در درازمدت به بهبود استانداردهای زندگی مردم می انجامند. نهادهایی که به گسترش انگیزه هایی برای سلب مالکیت و بازتوزیع منابع می پردازند، آشکارا به رکود دامن می زنند.^{۱۰} جوامعی که انگیزه های دلسردکننده برای تولید در خود دارند، در طول زمان به فقیرتر شدن متمایلند و جوامعی که انگیزه های مشوقانه برای تولید دارند در طول زمان به ثروتمندتر شدن می گرایند.^{۱۱}

نگاه های متفاوت مردم به دین و به ویژه مردمی که قدرت قانون گذاری دارند، ارزیابی های متفاوتی را درباره آنچه که باید محتوای قوانین رسمی باشد، نتیجه خواهد داد. بنابراین قوانین رسمی تاثیر آشکاری بر عملکرد اقتصادی دارد. آنها مجموعه ای از «بایدها» و «نبایدها» هستند که دولت مقرر می کند. با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله، در می یابیم که در اسلام مجموعه قوانین و مقررات از یک سو، و آموزه های اخلاقی از سوی دیگر، به طور موثری بر رفتارهای مردم و عوامل اقتصادی تاثیر گذار بوده و با پرورش اخلاقی و ایجاد انگیزه های مناسب از یک طرف با ارزش دانستن کار و تلاش و نهي تبلي و

^۴ ر.ک، به فارابوتن و ریچنز (۱۹۹۸)، کلین (۲۰۰۰) و ویلیامسون (۲۰۰۰) برای بررسی جامع اقتصاد نهادی جدید. همچنین ر.ک، به عجم اوغلو، جانسون و رابینسون (۲۰۰۵)، عجم اوغلو و جانسون (۲۰۰۵)، ادکینز، موماو و ساویدس (۲۰۰۲) و رودریک، سابرامانین، و تریبی (۲۰۰۴).

^۵ ر.ک، نورث (۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱ و ۲۰۰۵) همچنین دیویس و نورث (۱۹۷۱) و نورث و توماس (۱۹۷۳).

^۶ برای مثال نگاه کنید به بارو و مک کلیری (۲۰۰۳).

^۷ Douglass C. North, "Transaction Costs, Institutions, and Economic History." *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, p. 140: 7-17.

^۸ ر.ک: جیمز ای. کاپوراسو دیوید پی. لوین، *نظریه های اقتصاد سیاسی*، ترجمه محمود عبدالله زاده، ص ۲۲۸.

^۹ ر.ک، رودریک، سابرامانین و تریبی (۲۰۰۱) که بدون محافظه کاری از نقش نهادها صحبت کردند. همچنین ادکینز، موماو و ساویدز (۲۰۰۲)، کلین و لوو (۲۰۰۲) همبستگی قطعی آزادی اقتصادی و کارآفرینی فنی را نشان دادند.

^{۱۰} ر.ک، نورث (۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۲۰۰۵) برای بحث گسترده راجع به خصوصیات مشوق های مطلوب

^{۱۱} ر.ک، مک کواد (۲۰۰۰) برای بررسی ممتاز تاریخی ادبیات نهادها و عملکرد اقتصادی.

سستی و توجه به نفع طلبی اجتماعی به جای نفع طلبی شخصی، سبب افزایش کار و تلاش و رونق تولید می شود و از طرف دیگر با نفعی برخی رذایل اخلاقی نظیر نیرنگ و تدلیس و ... و ایجاد فضایی چون وفای به عهد و پیمان، صداقت و انصاف، عدالت و احسان و ... باعث ایجاد فضای اعتماد و شفافیت اطلاعات و کاهش فرصت طلبی شده و با ایجاد ضمانت‌های مناسب اخلاقی برای قراردادهای، نقش مؤثری در کاهش هزینه مبادله در قراردادهای اسلامی می شود.

منابع

۱. ابن بابویه قمی (صدوق)، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین، (۱۴۱۰ق)، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه (۳۰ جلدی)، بیروت، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث.
۳. داودی، پرویز و رجایی، سیدمحمد کاظم و مصطفی کاظمی (۱۳۹۱)، صداقت در مقایسه با شفافیت در بازار اسلامی، معرفت اقتصادی، سال سوم، شماره دوم: ۸۹ - ۱۱۵
۴. رجایی، محمدکاظم (۱۳۸۹). ویژگی های بازار اسلامی در نظریه و عمل. معرفت اقتصادی (۲).
۵. شریف زاده، محمدرضا و نادران، الیاس (۱۳۹۰)، هزینه های مبادله، قواعد و مقررات گذاری بر قراردادهای در اسلام (مقدمه ای بر تحلیل اقتصادی حقوق قراردادهای در اسلام)، مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۷: ۵-۳۰
۶. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۰۰ق)، القواعد والفوائد، تحقیق سیدعبدالهادی حکیم، قم: کتابفروشی مفید، چ ۱.
۷. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۸۹ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. کاردن، آرت. (۲۰۱۱)، "اخلاق مذهبی، نهادها و رشد اقتصادی"، تفسیری بومی از مقاله «اخلاق مسیحی، نهادهای رسمی و رشد اقتصادی» ترجمه: سعید خضر، بازنویسی: مصطفی بیغم
۹. متوسلی، محمود و نیکونستی، علی و آبنیکی، مرجان، (۱۳۸۹)، رویکردهای متفاوت به هزینه مبادله و دلالت های آن برای محیط کسب و کار و اقتصاد ایران، دوفصلنامه برنامه و بودجه، ش ۳: ۳۵-۳۰
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم.
۱۱. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۳ش)، المکاسب المحرمه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۱۲. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۴ش)، تحریرالوسیله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۷). "رقابت و تعاون در نگرش اسلامی"، اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، ص
۱۴. نصیری اقدم، علی (۱۳۸۵)، اقتصاد هزینه مبادله، جستارهای اقتصادی، ۳(۵).
۱۵. نصیری اقدم، علی (۱۳۸۶)، کاستی های اقتصاد هزینه مبادله، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۸۰.
۱۶. نورث داگلاس، سی (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۱۷. نوری طبسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، اول.
1. Arena, Richard. Festre, Agnes (2006) Knowledge and Beliefs in Economics: The case of the Austrian, in: Knowledge, Beliefs and Economics, Edited by: Arena Richard, Festre, Agnes, Edward Elgar.
2. Coase, r. (1973), The Nature of Firm, Economica. New series, vol. 4, No. 16. Pp386-405.
3. Coase, Ronald. (1998), The New Institutional Economics, The American Economic Review Hodgson.
4. Cooter, R. and T. Ulen (2000), Law and Economics, (3rd ed), New York: Harper collins.
5. Craswel, R. (2000), Cantract Law: General Theories, Encyclopedia of Law and Economics, vol 3.
6. Klaes, M. (2008), History of Transaction Cast, in The New Palgrave Dictionaray of Economics, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds, New York: Palgrave Mc,illan, vol. 8.

7. North, Douglass C. & Denzau, Arthur, T. (1994) Shared-Mental Models: Ideologies and Institution, *Kyklos*, vol. 94.
8. North, Douglass C. (1991) *The New Institutional Economics: A Collection of Articles From the journal of Institutional and Theoretical Economics*, Texas A & M University Press.
9. North, Douglass C. (2000) *The New Institutional Economics and Third World Development*, Edit by J. Hunter. International Ltd.
10. North, Douglass C. (1984) Government and the Cast of Exchange in History, the journal of Economic History, vol. 44, No. 2,
11. Simon, Herbert (2000) Bounded Rationality in social science: Today and Tomorrow, *minds & society*, vol. 1.
12. Williamson, Oliver E. (1998), Transaction Cost Economics: How it Works, where it is Headed, *The Economist*, vol: 146, pp: 23-58.